

کافه نظر

ساختمان‌های عمومی شهر و هراس از بروز فاجعه‌هایی مشابه در بستر شهر تشبیه کرده‌اند. در این کافه نظر پرسیده‌ایم که چه نقد و نظرهایی به ابعاد مختلف فاجعه پلاسکو وارد است که تا این اندازه به ناراحتی مردم و نگرانی آنها ختم شده.

در این میان، مردم بین دو نقش‌آفرین یعنی مدیریت بحران و رسانه‌ها گیر افتاده‌اند و چون به هیچ کدام اعتماد لازم را ندارند، سعی می‌کنند رخنه‌ای باز کنند و شاهدان عینی بحران باشند؛ شهروند-خبرنگار می‌شوند تا به سهم خود ادای دین کنند و این‌گونه است که اخبار ضد و نقیض از هر گوشه شنیده می‌شود. دو ماه پیش، تصادف قطار، امروز هم پلاسکو و چنین بحران‌هایی هر بار که تکرار می‌شود، هیچ پاسخ‌گویی بهنگام، موجه و مؤثری وجود ندارد چراکه با بروز بحران ما هم بحران‌زده می‌شویم. اگر به رسانه‌ها این اجازه را بدهند که نقال باشند، چاره‌جو باشند، مؤاخذه‌گر باشند، می‌توان امید بست به نقش پررنگ آنها در زمان بحران اما به هزار و یک دلیل این اجازه به آنها داده نمی‌شود.

بگیرند؟ از سوی دیگر سوآلاتی هم در زمینه برخورد و مدیریت این فاجعه در جامعه وجود دارد که باید پاسخ‌هایی درخو پیدا کنند. در بازیدی که از محل حادثه پلاسکو داشتیم، آمادگی مجلس را برای هرگونه کمک و حمایتی در ایـن زمینه اعلام کردیم. متأسفانه حال که مردم ایران با بهت و درد به اخبار پلاسکو گوش می‌دهند، در جریان قرار گرفته‌اند که در همین تهران، بیش از سه هزار ساختمان دیگر نیز وضعیتی مشابه با این ساختمان دارند و اگر برای آنها فکری عاجل نشود، ممکن است پلاسکوهای بعدی باشند. این موضوعی است که باید در مجلس به آن پرداخته و با وضع قوانین محکم، جلوی چنین تخلفاتی گرفته شود که اگر جلوی آنها را نگیریم، فردا خیلی دیر خواهد بود.

زیر آسمان شهر

بناهایی که به‌زودی می‌ریزند

سیدمحسن هاشمی. کارشناس فرهنگی

ساختار معیوب و نامتوازن زیرساخت حقوقی سرقفلی‌داران و مالکان، عامل اصلی فرسودگی و نبود ایمنی بافت قدیمی بناهای تجاری- بازرگانی تهران است. ارتقای کیفیت زندگی شهری که گام نخست آن دارابودن شهری ایمن است، مأموریت اصلی مدیریت شهری است. این مهم در اهداف کوتاهمدت و مناسبتی مدیریت شهری (شهرداری، شورای شهر، وزارت کشور و...) و در باری به‌هرجهت‌گرفتن امور و سهل‌انگاری‌های شهرویشان مغفول مانده و منجر به ناایمن‌بودن شهر تهران شده است. نگارنده چندین خاطره از تجارب دوران چهارساله مدیریت پایه‌شهرسازی در یاد دارد که ذکر آنها گواه اصالت و صحت این ادعاست.

۱) در ضلع غربی میدان بهارستان، ساختمانی ۹۰ساله از خشت و گل با سه کاربری تجاری واقع شده بود. سازمان زیباسازی شهر تهران در ادامه عملیات پیرایش و آرام‌سازی پهنه خیابان انقلاب (۱۳۹۳-۱۳۹۴) اجرای عملیات بهسازی و ساماندهی نما و منظر بهارستان را با جلب رضایت شفاهی مالک و رضایت کتبی کاربری (سرقفلی‌دار) همراه با عملیات استحکام‌بخشی نمای بنای یادشده در آذرماه سال گذشته آغاز کرد. در میانه‌بهمن‌ماه مالک از نگرانی دریافت احتمالی صورت‌حساب هزینه‌های بهسازی و استحکام‌بخشی، مانع ادامه اجرای عملیات موصوف شد. نگارنده در سمت راهبری پروژه بهسازی با گفت‌وگو با مالک اطمینان دادم که صورت‌حسابی دریافت نخواهد کرد و سازمان زیباسازی در اجرای مأموریتش از محل بودجه سازمانی‌اش در حال بهسازی نمای بافت تهران قدیم است، اما مالک زیر بار همکاری را ادامه عملیات نمی‌رفت. ناچار با دادگاه برای اذن مداخله بدون نظر مالک مکاتبه شد. از زمان انجام مکاتبه تا دریافت مجوز، اقدام به ایمن‌سازی بنا (بدون رضایت مالک) با احتساب تعطیلات نوروزی ۵۸ روز سپری شد. این در شرایطی رخ داد که با لایه‌برداری از جداره کاهگل معلوم شد که ملات نودودچندساله میان خشت‌ها کاملاً به خاک تبدیل شده و هر آن بیم آن می‌رود که جداره بر عابران یا ساکنان بنا آوار شود. نگارنده ناگزیر برای رعایت ایمنی شهروندان ضمن اطلاع‌رسانی محیطی- میدانی، روزانه دومیلیون و ۴۰۰ هزار تومان برای تأمین خسارت احتمالی جانی و مالی، شخصاً به بیمه پرداختم تا پس از تعطیلات نوروزی از سازمان متبوع دریافت کنم.

۲) بنایی صدساله نبش کوچه جورکش در ضلع جنوبی میدان بهارستان که یکی از بناهای مشمول عملیات بهسازی بود به دلیل اختلاف مالک و سرقفلی‌داران بدون کمیته ایمنی رها شد؛ بنای سه‌طبقه‌ای که روزانه ۸۰ تا یکصد نفر به داخل رفت‌وآمد و ۲۰ هزار نفر دیگر از کنار آن بنای ناایمن گذر می‌کنند. در استفاده سال گذشته در ادامه عملیات بهسازی نما و منظر بهارستان از مشاوران مرمت تقاضا شد برای بهسازی این نما طرchi را ارائه کنند. پس از دو هفته مطالعه میدانی، گروه مشاوران اعلام کردند به دلیل فرسودگی بیش‌ازحد و وجود قنات در زیر این بنا امکان مقاوم‌سازی و آنگاه بهسازی نما میسر نیست. اردیبهشت‌ماه از شرکی به نام استاتیکال از کشور چک درخواست بررسی بنا و ارائه طرح استحکام‌بخشی کردیم که پس از یک هفته مطالعه میدانی و بررسی سازه اعلام کرد برای بهسازی نما بهترین راه‌حل، تخریب بنا و اجرای دوباره ساختمان با سازه مدرن است. مالک ابراز تمایل کرد تا بنا را نوسازی کند، اما گفت‌وگو با سرقفلی‌داران را به من محول کرد. سرقفلی‌داران نیز از موضوع نوسازی بنا استقبال کردند، اما می‌گفتند مالک باید درآمد آنها را برای مدت نوسازی بنا به ایشان بپردازد. مالک می‌گفت هرکدام از سرقفلی‌داران در طول سال کمتر از پنج میلیون تومان به او می‌پردازند، چگونه انتظار دارند ماهانه پنج میلیون تومان بابت بازه زمانی نوسازی بنا به ایشان بپردازم؟ گفت‌وگوهای ما به جایی نرسید و بهسازی و استحکام‌بخشی و نوسازی بنا در میانه دعوای حقوقی رها شد. همین‌جا مایلم به‌صراحت اعلام کنم این بنا فرو خواهد ریخت و حتما بیشترین آسیب جانی را عابران بهارستان متحمل خواهند شد.

۳) ساختمان فرسوده دیگری (بیش از صدسال قدمت) نبش خیابان رضی در خیابان شهید مصطفی خمینی واقع شده بود. مدت شش ماه رازینی (واطمینان‌دادن از درکارنبودن صورت‌حساب) به‌طول انجامید تا امکان دریافت موافقت استحکام‌بخشی رایگان بنای موصوف، از واقف دریافت شد. آنچه در خبرهای منتشرشده از فروریزی ساختمان پلاسکو (نماد بازار مدرن ایران) به نظر می‌رسد، این است که شهرداری و سازمان آتش‌نشانی هندارهای لازم را به مالک (آن) و بهره‌برداران این ساختمان داده‌اند، اما ظاهراً هر حقوقی مالک- سرقفلی‌دار باعث این فاجعه شده است و هرکدام مسئولیت را به دیگری محاله می‌کنند. البته چنانچه مالک، بنیاد مستضعفان و جانبازان باشد که یک نهاد عمومی است، نباید در این امور به شیوه کاسبکاران شخصی رفتار می‌کرد. اما اصل ماجرا به نظر نگارنده، تنظیم دوباره معادله حقوقی مالک- سرقفلی‌دار است. اگرچه شیوه تریبیتی ما ایرانیان در سَرسری‌گرفتن همه‌چیز حتی نکات ایمنی که در میزان مرگ‌ومیر ناشی از رانندگی‌مان کاملاً مشهود است، منجر به بروز این‌گونه فجایع غم‌انگیز می‌شود.

اما واگرهای پس از پلاسکو

سعید برآبادی: در شبکه‌های اجتماعی، فروریختن ساختمان پلاسکو را به فروریختن بسیاری از ارزش‌های اجتماعی و شروع تازه‌ای بر بحران‌هایی مانند نبود امنیت در

فریدون صدیقی ◀ روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه

ما مردمانی هستیم که همیشه غافلگیر می‌شویم؛ به معنای دیگر هیچ‌گاه رویدادها و حوادث برای ما تبدیل به تجارب و آموزه‌ها نمی‌شوند، بنابراین هر بحرانی می‌تواند نه‌فقط مردم و نه مسئولان بلکه رسانه‌ها را هم غافلگیر کند. بحران که بیاید، ما را با خود می‌برد و این‌طور است که در مدیریت آن، رسانه‌ها را غیرخودی می‌شناسیم و سعی می‌کنیم یا آنها را حذف کنیم یا زاویه تنگی را برای دیدن صحنه‌ها در اختیارشان قرار دهیم. از سوی دیگر رسانه‌ها نیز با مدیریت بحران آشنا نیستند و مدیریت کلان‌تر بحران به آنها اجازه ورود و روایت نمی‌دهد.

فاطمه ذوالقدر ▶ نماینده تهران

جمعه‌شب توانستم از محل حادثه پلاسکو بازدید کنم و از نزدیک به زحمتمکشان این عرصه عرض ادب و احترام و به آتش‌نشانان عرض تسلیت داشته باشم. واقعه تلخی که امروز با خسارت‌های مالی و جانی آن مواجه‌ایم، حکایت از نقص سیستم ما در حوزه مدیریت شهری دارد. مداراکردن یا مسئولان ساختمانی که هزاران نفر در آن رفت‌وآمد و فعالیت می‌کنند، در نوع خود به اندازه کافی عجیب است و حالا مردم داغدار ما با این سؤال مواجه‌اند که آیا مدیران شهری جز با اخطار نمی‌توانستند مسئولان پلاسکو را وادار کنند تحت پوشش بیمه قرار

نامه‌ای برای شهردار تهران

به ما وقت ملاقات بدهید

ماهور احمدی . موزیسین و حامی حقوق حیوانات

جناب آقای قالیباف، سلام. خسته نباشید، روزهای سخت و تلخی را پشت سر می‌گذاریم، من هم مثل هر انسان و هر ایرانی قلبم مملو از غصه و اندوه است. هم‌وطنان فداکار و بی‌نام آتش‌نشان‌مان را از دست داده‌ایم و این یک سوگواری ملی است. دراین‌میان فرصت را مغتنم دانستم تا نامه‌ای برای شما بنویسم. نامه‌ای که شاید مدت‌ها پیش باید به شما نوشته می‌شد. حتما در خبرها دیدید و خواندید که آتش‌نشان‌ها و گروه‌های امداد، همکاران مسئول، فداکار و بی‌زبانی غیر از انسان داشتند که این روزها عصای دستشان شدند و در باری‌رسانی و نجات جان انسان‌ها پایه‌پا و نفس‌بنفس آنها، اضطراب، حرارت آتش و تشنگی و ترس را تجربه کردند. این همکاران بی‌زبان سگ‌ها بودند. سگ‌هایی که گاهی به جرم موذی و مزاحم‌بودن، قتل عام می‌شوند. با بیل، سنگ یا با تزریق اسید. تا همین حد بی‌رحمانه. شما فیلم کشتار سگ‌ها را در تهران و شهرهای اطراف دیده‌اید؟ کاش ندیده باشید تا مثل ما حامیان حیوانات (که با بدبختی و ناتوانی سعی در نجات آنها داریم)، مدام گایوس نبینید. کاش ندیده باشید تصویر سگ مادری که ناله می‌کند، اما برخی با سنگ توله‌هایش را می‌کشند. کاش تزریق اسید به سگ‌های شیراز را ندیده باشید، هنوز که هنوز است از صدای زوزه آنها، غذاخوردن برای من و امثال من سخت است. مگر سیره پیامبر گرامی اسلام، احترام به حق زیست تمام موجوداتی که لمعه‌ای از شکوه خلقت پروردگار جهانیان هستند، نیست؟

امروز وقتی همین سگ‌ها را کنار آتش‌نشان‌ها دیدم نفس در سینه‌ام حبس شد. عکسی دیدم که آتش‌نشانی با مهر به سگی آب می‌داد. این تصویر برایم غریب بود. تصویر مهربانی با سگ و نگرانی برای نجات جانش. این سگ با سگ‌هایی که به آنها ولگرد و موذی می‌گویند، هیچ تفاوتی ندارد. می‌گویند نژادش هستند. سگی که در کشور ما به آن بی‌نژاد و ولگرد می‌گویند، سگ اصیل ایرانی است که سال‌ها در کنار چوپان‌ها برای نگهبانی از جان دام‌ها خدمت کرد. هوش و وفاداری سگ بی‌نژاد، کمتر از سگ‌های امروزی نیست. جناب آقای قالیباف، شهردار محترم تهران، برای کشتار این همراهان فداکار انسان بوده‌جه تصویب می‌شود. جلسه تشکیل می‌شود. شاید می‌دانید پیمانکاران شهرداری برای صرفه‌جویی در بودجه معدوم‌سازی از چه راه‌های وحشتناکی استفاده می‌کنند. یکی از آنها تزریق اسید است. آقای قالیباف ما برای اعتراض به کشتار سگ‌ها جلوی سازمان محیط زیست تجمع کردیم. نه یک‌بار؛ چند بار. قضاوت شدیم که مشتی دیوانه و شکم‌سیر هستیم و بعدها هم انگ فعال سیاسی به ما زدند و راه را برای اندک حمایتی مسدود کردند. شما بگویید خواستن حق حیات برای یکی از مخلوقات خداوند فعالیتی سیاسی است؟ فریاد و درد ما به جایی نرسید که می‌گفتیم ما سیاسی نیستیم، حتی زبان سیاست را هم نمی‌فهمیم. ما فقط زبان بی‌زبانان شده‌ایم. دست‌به‌دست هم دادیم و لاشه نیمه‌جان سگ‌ها را به انباری و زیرزمین‌هایمان پناه دادیم با قرض و به‌دکاری‌های فراوان آنها را درمان کردیم و به جایی امن انتقال دادیم. شما بگویید رسیدگی، عقیم‌سازی و رهاسازی چقدر بوده‌جه و نیرو می‌خواهد؟ جمعیت حامیان زیاد نیست، اما هزینه زیادی دارد و کار و تلاشی بی‌وقفه می‌طلبد. اما این یک دور باطل است. باز قصه حامیان تکرار می‌شود. هرجا سگ مادر و توله‌ای می‌بینم تتم می‌لرزد. آنها نمی‌دانند اما من می‌دانم چه سرنوشت شومی در انتظار آنهاست. جناب آقای قالیباف، شهردار محترم تهران، ما برای حیوانات، شهری امن می‌خواهیم؛ برای سگ‌ها، برای گربه‌ها، برای پرنده‌های مهاجری که در شهرهای شمالی صید می‌شوند، برای تمام آفریده‌های خداوند بزرگ‌مرتبه و پاک که حق حیات به این موجودات داده و تا آنجا که من می‌دانم در هیچ کجای کلام‌الله حکمی به ریختن خون آنها داده نشده است. آقای قالیباف تقاضا می‌کنم دستور دهید به نحوی از انحا این رویه هولناک قتل عام حیوانات پایان گیرد. هر جا رفتیم، به هرکس گفتیم، فقط ما را به سمت شما رهنمون شدند و گفتند جز شما کسی نمی‌تواند این موضوع را متوقف کند. جناب آقای قالیباف شهردار محترم تهران؛ به حرمت همین وفایی که از سگ‌های زنده‌یاب در داغی فروریختن ساختمان پلاسکو دیدیم، به احترام نفس مادران و پدرانی که جان فرزندانشان را همین سگ‌ها در بزنگاه‌های بزرگی مانند زلزله بم یا فروریختن ساختمان پلاسکو نجات دادند، به حرمت مهربانی همان آتش‌نشان مهربانی که به سگ آب می‌داد، دستور توقف قتل این زبان‌بسته‌ها را صادر کنید. حرف ما را بشنوید و پای صحبت با ما بنشینید تا راهکارهایی ارائه کنیم که نتیجه‌اش به سود همه باشد. ما خسته و ناامیدیم. ما نگران نانی هستیم که با پول خون سگ‌کشی سر سفره‌ای می‌رود. ما نگران صورت کودکانی هستیم که شاهد این کشتار هستند. جناب آقای قالیباف شهردار محترم تهران، ما از شما وقت ملاقاتی می‌خواهیم. از شما تقاضا می‌کنیم بگذاردید به دیدنتان بیایم و همراه با شما راهی و جایی را برای نجات جان آنها پیدا کنیم. آقای قالیباف ما را تنها نگذارید. ما به حمایت شما امیدواریم. ما را با دست خالی به خانه بازنگردانید، به ما وعده دیدار و ملاقاتی بدهید.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۵ • ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ • ۲۲ ژانویه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۸۳ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۶ • اذان مغرب ۱۷:۴۱ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۰

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

◀ **محمد رضا ثقفی**



Galaxy S7 edge Gear S3 frontier



هم اکنون با حافظه 128GB

Black Pearl به رنگ مروارید سیاه

ماجرای عشق و عاشقی میدون

نامه سرگشاده به مردم آمریکا

● **پوریا عالمی**: مردم آمریکا سلام. چطورید؟ پایان دوران ریاست‌جمهوری آقای اوباما را به شما تسلیت می‌گویم. متأسفم که هم‌زمان با این تسلیت باید آغاز دوران ترامپ را هم به شما تسلیت بگویم. مثل این است که بعد از بهار، بکهو زمستان بشود یا مثل این است که آدم سوار ماشین فراری باشد و راننده‌اش بکهو بگیرد بخوابد، ماشین هم بیفتد توی دره. بعد آدم را از ماشین فراری پیاده کنند، سوار درشکه کنند و درشکه‌چی هم یکی باشد که تازه گواهی‌نامه گرفته، اما نگران نباشید. من با شما واقعا احساس همدردی می‌کنم. رئیس‌جمهور کشور من هم هشت سال، راننده فراری بود و خیلی خوش گذشت. خب، راستش بعد از آن هشت سال هم درشکه‌سواری کردیم و واقعا باید من از رئیس‌جمهوری که درشکه را می‌راند تشکر کنم. چون در پایان، او قوانین فیزیک را درهم شکست و البته رکورد کینس را هم زد. چطوری؟ این‌طوری که او درشکه را به سمت جلو می‌راند، ولی ما عقب می‌رفتیم. اگر اینشتین بود، حتما به دلیل ناتوانی در درک این قضیه سگته می‌کرد. خلاصه خیلی هم نگران نباشید. این آقای ترامپ شما کاری خواهد کرد که شما مهاجرت کنید. این برای شما خیلی خوب است چون تا الان همیشه مهاجر دیده‌اید، اما مهاجر نبوده‌اید. خود ما ایرانی‌ها کلی به آمریکا مهاجرت کردیم. قدمتان روی چشم، اگر اذیت شدید بیایید اینجا. اینجا واقعا وضعیت هرچی باشد بهتر از این است که آدم بعد از اوباما، با ترامپ شناخته شود. فکر کن وضعیت زندگی شما آمریکایی‌ها، تا پیش از این در جشم ما ایرانی‌ها عین ماتریکس بوده. واقعا ضایع است که الان آمریکا را شبیه فیلم امریکن‌پای یا احمق‌واحمق‌تر تصور می‌کنیم. باورتان می‌شود؟ ما در دوران آقای احمدی‌نژاد، با زاین در دوران انفجار اتمی هیروشیما همدردی می‌کردیم. حتما شما از دیروز که آقای ترامپ آمده با بیگ‌بنگ همذات‌پنداری خواهید کرد. اما خوشحال باشید که آقای ترامپ کاری خواهد کرد که شما آدم‌های قدرشناسی شوید. خود ما بعد از آقای احمدی‌نژاد واقعا ارزش چیزهایی را که داریم خیلی فهمیدیم؛ مثلا آب یخ. هیچ قرصی سردرد شما را خوب نخواهد کرد جز اینکه از عصبانیت وقتی رئیس‌جمهورتان نطق می‌کند، بنشینید در یک تشت آب یخ.

خدا به شما واقعا صبر بدهد، مخصوصا که هنوز از باقی الطاف این حضور بی‌خبرید و من در نامه فردا به تفصیل برای‌تان خواهم گفت. فعلا.

دوستدار مردم آمریکا؛ پوریا عالمی

چند پرسش درباره پلاسکو

شهرداری برای هزینه ایمن‌سازی، تنها ۲۵میلیارد به آتش‌نشانی اختصاص داده شده است.
● رئیس بنیاد مستضعفان که مسئولیت نوسازی بنای پلاسکو را داشته است و در این مدت صاحبان سرقفلی‌ها بارها به عدم توانایی‌شان در این زمینه اشاره کرده‌اند، گفته است دوساله این بنا ساخته می‌شود. سؤال این است پس در این مدت چرا برای نوسازی اقدام نکردند؟

● دیروز در محل پلاسکو نشست شورای شهر برگزار شده اما در ابتدا حتی اعضای ششورا را به محل راه نداده‌اند. چرا دراین‌میان بین احمد مسجدجامعی و حافظی و تقی‌پور از طیف طرفداران قالیباف مشاجره رخ داده است؟ مسجدجامعی فعلا تا زمان پیگیری ماجرای پلاسکو استعفاى خود از شورای شهر را پس گرفته، اما سؤال بی‌جواب‌مانده، به این نکته سخنان حافظی برمی‌گردد که از ۵۴ میلیارد کسب‌شده از سوی

● چرا مسئولان و سامان‌دهندگان بحران به خبرنگاران اعتماد ندارند؟ چرا تنها از طریق صداوسیما قرار است اطلاع‌رسانی شود؟ حاضران در ساعات اولیه می‌گویند حدود ساعت ۱۰ فکر می‌کردند که آتش مهار شده و صاحبان مغازه و کالاهار در ساختمان حضور داشتند و برخی در حال تمیزکردن آب‌ها بوده‌اند. آیا گفتن ارقام درست حاضران باعث بحران می‌شود؟